

شناسایی و تحلیل کنشگران مؤثر بر تحولات آینده منطقه آسیای مرکزی

سید شهاب‌الدین حجازی^{۱*}

شعبه بهمن^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۶

چکیده

منطقه آسیای مرکزی به واسطه اشتراک‌های مذهبی، قومی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی با ایران، از اهمیت زیادی برای ج. آ. ایران برخوردار است. در همین راستا؛ مقاله پیش‌رو به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که «کنشگران مؤثر بر تحولات آینده منطقه آسیای مرکزی کدامند و نوع رابطه آنان با ج. آ. ایران چگونه است؟» رویکرد تحقیق حاضر «آمیخته» بوده و بر مبنای هدف، یک تحقیق «کاربردی-توسعه‌ای» محسوب می‌شود. جامعه آماری؛ شامل ۳۲ نفر از خبرگان و کارشناسان منطقه بوده که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. به‌منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز جهت تدوین ادبیات تحقیق از «مطالعات کتابخانه‌ای» با استفاده از ابزار «فیش برداری» و در خصوص جمع‌آوری داده‌های واقعی نیز از «مطالعات میدانی» با استفاده از ابزارهای «مصاحبه نیمه‌ساختاریافته» و «پرسشنامه بسته» استفاده شده است. پرسش‌های مصاحبه و پرسشنامه از دو جنبه روایی ظاهری و محتوا توسط صاحب‌نظران تأیید شده و با استفاده از نرم‌افزار Spss نیز ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۰۶ محاسبه شده است که بیانگر پایایی بالای پرسشنامه است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کمی جمع‌آوری شده از «آماره‌ها یا پارامترهای توصیفی» و همچنین به‌منظور رتبه‌بندی اهمیت گزاره‌های پرسشنامه از «روش آنتروپی شانون» استفاده شده است. بدین ترتیب کلیه کنشگران تأثیرگذار در سه گروه؛ کنشگران محلی (اقوام، مذاهب، جنبش‌ها و سایر کنشگران محلی)، منطقه‌ای و بین‌المللی با ذکر نوع رابطه هر یک با ج. آ. ایران و همچنین میزان تأثیرگذاری در آینده تحولات منطقه شناسایی و رتبه‌بندی شده و در پایان راهکارهایی به منظور فراهم آوردن زمینه‌های گسترش حضور و نفوذ ج. آ. ایران در این منطقه پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، ج. آ. ایران، کنشگران محلی، کنشگران منطقه‌ای و کنشگران بین‌المللی.

۱. استادیار دانشگاه علوم دریایی امام خمینی مازندران (دکترای مدیریت آینده‌پژوهی)

* نویسنده مسئول: sh_hejazi51@yahoo.com

۲. دکترای علوم سیاسی مؤسسه راهبرده پژوهان جهان معاصر

۲۰۷



مقدمه

منطقه آسیای مرکزی^۱ به لحاظ سیاسی مفهومی سیال است، یعنی در گذر زمان و با تغییر در معادلات سیاسی، محدوده از پیش تعریف شده برای این منطقه، دستخوش دگرگونی می‌گردد. این منطقه بین ترکستان شرقی (ترکستان چین)، مغولستان و تبت واقع شده است. اما در جغرافیای سیاسی امروز مقصود از آن پنج کشور تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان است که در سال ۱۹۹۱ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مستقل شدند. در منابع کهن عربی و فارسی از این منطقه تحت عنوان «ماوراءالنهر»، «فرارود»، «آسیای وسطی» و «ترکستان» و در منابع روسی با نام «آسیای میانه»^۲ یاد شده است. این منطقه هیچ مرزی با آب‌های آزاد جهان ندارد و کوزه‌گر کالجی (۱۳۹۴) بیان می‌نماید که ایده نامیدن این مناطق به‌عنوان یک منطقه مشخص و مجزای جغرافیایی با نام «آسیای مرکزی» در سال ۱۸۴۳ میلادی توسط جغرافی‌دان آلمانی، «الکساندر فون هومبولت»^۳ مطرح شده است. این منطقه سرزمین وسیعی با وسعت ۳۹۹۴۴۰۰ کیلومتر مربع (۶۸٫۲ درصد مساحت خشکی کره زمین) است که طبق آمار پایگاه داده جمعیت جهان (۲۰۱۹) ۷۲ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند و با داشتن قریب ۸۰ درصد مسلمان، یکی از مناطق مهم جهان اسلام محسوب می‌گردد.

بهمن (۱۳۸۹) معتقد است که این منطقه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق جهان شناخته می‌شود که علاوه بر آن که میراث‌دار اقتصاد بزرگ جاده ابریشم و پل ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و میان شمال و جنوب قاره آسیا به‌شمار می‌آید، امروزه به سبب کشف منابع غنی انرژی نیز به‌عنوان منطقه‌ای مهم محسوب می‌شود. مانستر و باسچ (۱۳۹۴) بیان می‌کند، اهمیت منطقه در دوران پس از استقلال را می‌توان از بازسازی مفهوم «بازی بزرگ»^۴ استنباط کرد که در قرن ۱۹ میان امپراتوری روسیه و انگلستان جریان داشته است. علویان و کوزه‌گر کالجی (۱۳۸۸) نیز اظهار می‌دارند که این منطقه پس از پایان سلطه شوروی در حوزه‌های مختلفی مانند ژئوپلیتیکی (محل تلاقی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای)، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی (منابع عظیم انرژی به‌ویژه نفت و گاز حوزه خزر) و ژئوکالچری (به‌ویژه در

1. Central Asia
2. Middle Asia
3. Alexander von Humboldt
4. Great Game



چهارچوب نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون و بسترهای مناسب برای خیزش حرکات اسلام‌گرایی) دارای اهمیتی روزافزون در نظام بین‌المللی گردیده است. حافظ‌نیا (۱۳۸۵) معتقد است موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به شکلی است که با یکدیگر نوعی وابستگی ژئوپلیتیک^۱ دارند.

باوجوداین؛ چنین به نظر می‌رسد که باوجود ظرفیت‌ها و اشتراکات دینی، فرهنگی، قومی، تاریخی و تمدنی بسیار این منطقه با جمهوری اسلامی ایران، به دلیل فقدان یک راهبرد کلان در خصوص گسترش حضور ایران در این منطقه، متاسفانه کمتر به این منطقه مهم و راهبردی پرداخته شده است. این در حالی است که عدم تحلیل و ارزیابی منطقی تأثیر حضور بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای؛ توانایی برنامه‌ریزی جهت اقدامات پیش‌دستانه را برای ج. آ. ایران تا حدودی تضعیف می‌نماید. به بیان دیگر؛ درک ناقص اهداف، برنامه‌ها و اقدامات قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه رژیم اشغالگر قدس و آمریکا ممکن است، موجب اقدامات نسنجیده ج. آ. ایران گردیده و هزینه‌هایی را برای نظام به بار آورد. از سوی دیگر؛ غفلت از گسترش نفوذ کشورهای رقیب در سطح منطقه، ممکن است موجب واگذاری صحنه به رقبا گردد.

به هر ترتیب؛ تحولات منطقه آسیای مرکزی با منافع ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران گره خورده است، لیکن گام‌برداری آگاهانه و هوشمندانه ج. آ. ایران به‌منظور گسترش حضور و نقش‌آفرینی مؤثر در این منطقه، مستلزم رصد مستمر تحولات منطقه، تحلیل محیطی به دور از شعارزدگی و شناخت کافی از موقعیت ج. آ. ایران در این منطقه است. فلذا به نظر می‌رسد، انجام این پژوهش می‌تواند ضمن شناخت دقیق بازیگران اصلی و فرعی فعال در تحولات منطقه، فرصت‌ها و راهکارهای مقتضی را به منظور گسترش حضور و نفوذ ج. آ. ایران و تأمین منافع حداکثری ج. آ. ایران در این منطقه، پیش‌روی ذینفعان قرار دهد. با این توضیح؛ این تحقیق در پی آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که «کنشگران مؤثر بر تحولات آینده در منطقه آسیای مرکزی کدامند و نوع رابطه آنان با ج. آ. ایران چگونه است؟»

1. Geopolitical Dependency

۱. ادبیات پژوهش

طاهری (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود با عنوان «نقش و جایگاه ژئواکونومیک ایران و ترکیه در نظم پیوندی خاورمیانه و آسیای مرکزی» بیان نموده است که برخورداری از ویژگی‌های مشترک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باعث شده نوعی نظم پیوندی در سراسر منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی شکل بگیرد. البته نقش و جایگاه ایران و ترکیه در این نظم پیوندی بی‌همتا است. زیرا دو کشور به عنوان گره‌هایی باعث پیوند میان حلقه‌ها با هم و تکمیل مفهوم نظم شبکه‌ای به جای نظم جغرافیایی می‌شوند. از نظر ژئواکونومیک ایران و ترکیه به عنوان بزرگ‌ترین اقتصادهای منطقه خاورمیانه توان تاثیرگذاری بر معادلات این منطقه را دارند.

سنجری پور (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود با عنوان «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی از دیدگاه منافع ملی» نتیجه گرفته است که سیاست خارجی ایران در چارچوب همکاری‌های متقابل اقتصادی و فرهنگی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی تأمین کننده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است. زمانی که همکاری‌ها در کلیه زمینه‌ها بین جمهوری‌های آسیای مرکزی و ایران به رونق خود برسد، سپس می‌توان در چارچوب سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) تعاملات تجاری و فرهنگی را پی گرفت و در جهت تأمین منافع ملی اقدام نمود.

مهری پرگو (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «استراتژی همگرایی با همسایگان در بخش آسیای مرکزی» نتیجه گرفته است که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران که می‌توانست از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در ایفای نقش بهتر در منطقه به کار گرفته شود، به طور شایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته و روسیه به عنوان قدرت اصلی در منطقه اوراسیا و ترکیه همسایه بلافصل منطقه، از بازیگرانی هستند که فرصت‌های ایران برای ایفاگری نقش را از او گرفته‌اند. اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی مداخله‌جویانه آمریکا علیه ایران و سیاست «همه چیز بدون ایران»، از دیگر موانع ایفای نقش ایران در منطقه به شمار می‌رود و با وجود زیرساخت‌های مهم حمل و نقلی و همچنین به رغم برخورداری از سواحل نسبتاً مناسب در خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال، ایران نتوانسته است از موقعیت ترانزیتی برتری که در منطقه دارد بهره گیرد.

امیری (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی نقش و جایگاه ایران در آسیای مرکزی با تأکید بر تحولات پس از ۱۱ سپتامبر» بیان داشته است که مجموعه تحولات پس از حوادث ۱۱ سپتامبر حاکی از بروز تغییرات بنیادین در معادلات آسیای مرکزی به ویژه از حیث امنیتی، شکل‌گیری پویاها و رویه‌های نوظهور در این منطقه بوده است. مهم‌ترین تحول در این مدت به افزایش نقش و دخالت قدرت‌های غربی به ویژه آمریکا در امور امنیتی منطقه مربوط می‌شود. مباحث مطرح در پژوهش نشان می‌دهد که تحولات پس از ۱۱ سپتامبر در منطقه به دلیل تعمیق نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای، تضعیف نقش بازیگران منطقه‌ای و تشدید گرایش‌های مرکزگرایانه در منطقه، بیش‌تر جنبه‌ای چالش‌ساز و تهدیدزا برای جمهوری اسلامی ایران داشته و کمتر به پیدایش فرصت‌های نوین منجر شده است.

اسلامی مقدم (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی ج. آ. ایران» بیان داشته است که ج. آ. ایران از ابتدای استقلال جمهوری‌های شوروی سابق، راهبرد سیاست خارجی خود را بر مبنای همکاری و رابطه همه‌جانبه در دو سطح دو جانبه و چند جانبه بنا نهاده است. امروزه سیاست مبتنی بر موازنه خارجی، ادامه سیاست ائتلاف‌سازی دولت ایران را ضروری می‌سازد. ایران نیازمند مشروعیت دولت در نظام بین‌الملل با استفاده از مشروعیت حکومت و به کارگیری سازوکارهای دموکراتیک در اعمال حکومت است که تقویت همکاری‌های دو جانبه، چند جانبه و همکاری‌های منطقه‌ای و عضویت در سازمان‌های مختلف از جمله نمونه‌هایی از آن است.

بهمن (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ ظرفیت‌های همکاری و همگرایی منطقه‌ای» مباحثی همچون انرژی و انتقال آن، ترانزیت کالا، نیازهای متقابل اقتصادی، تندروری اسلامی، قاچاق و فروش مواد مخدر، بحران‌های هویتی، فرهنگی را از جمله مسائل عمده برای کشورهای منطقه برشمرده است که ضرورت همکاری و همگرایی بیشتر ایران را آشکار می‌سازد.

یزدانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران به آسیای مرکزی» عنوان نموده است که با توجه به شرایط حاکم این جمهوری‌ها و معضلات سیاسی، اجتماعی و امنیتی آن‌ها و رویکردی که جمهوری اسلامی ایران به منطقه دارد،

بهترین راه ممکن در این منطقه ایجاد صلح و استقرار ثبات است. در این شرایط، ایران و همچنین کشورهای این منطقه قادر خواهند بود به اهداف و منافع خود دست یابند. اعظمی و دبیری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی» عواملی همچون؛ پیوندهای زبانی، قومی و تمدنی، مزیت‌های متقابل جغرافیایی و سازمان‌های منطقه‌ای به عنوان فرصت ژئوپلیتیکی؛ رژیم حقوقی دریای خزر، افراط‌گرایی اسلامی و بحران قومی، گسترش ناتو و اختلاف با روسیه در زمینه انرژی را به عنوان چالش‌های ژئوپلیتیکی و همچنین مسأله مواد مخدر، رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بحران آب و مسائل زیست‌محیطی را به عنوان عوامل دارای ویژگی‌های دوگانه (فرصت و تهدید) مورد تأیید قرار داده است.

۲۱۲



سیاست جهانی

۲. چارچوب نظری: کنشگران منطقه آسیای مرکزی

در این پژوهش؛ کنشگران مؤثر بر تحولات منطقه آسیای مرکزی در سه گروه کنشگران محلی (اقوام، مذاهب، احزاب و سایر کنشگران محلی)، منطقه‌ای و بین‌المللی دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه هر کدام به‌طور مختصر معرفی می‌گردند.

۱-۲. کنشگران محلی منطقه آسیای مرکزی

۱-۱-۲. اقوام آسیای مرکزی

یکی از ویژگی‌های مشترک پنج کشور حاضر در منطقه آسیای مرکزی، ساختار قومی متکثر است که این امر بر فرایند ملت‌سازی و حتی دولت‌سازی در این کشورها تأثیرات منفی قابل توجهی بر جای گذاشته است. توجه به نام کشورهای این منطقه خود نشان دهنده ماهیت قومی این کشورهای نوپید است. کشورهایی که نام گروه قومی اکثریت مبنای نام آن کشور قرار گرفته و قدرت سیاسی در گروه قومی هم نام با اسم کشورها تمرکز یافته است. صورت‌بندی قومیت‌ها در منطقه آسیای مرکزی نشان می‌دهد که جمعیت بومی در ازبکستان به میزان ۷۲ درصد به همراه ۶۷ اقلیت قومی، تاجیکستان ۶۲ درصد به همراه ۴۶ اقلیت قومی، قزاقستان ۴۰ درصد و ۷۵ اقلیت قومی، قرقیزستان ۵۲ درصد و ۴۶ اقلیت قومی می‌باشد. در این میان دسترسی به اطلاعات دقیق از وضعیت اجتماعی، اقتصادی، میزان جمعیت و علایق

قومیت‌ها که مبنای یک پژوهش علمی قرار گیرد، بسیار دشوار است. چرا که در مورد اقوام ما با اطلاعات تحریف شده روبه‌رو هستیم که دولت‌ها به وجود می‌آورند تا ملت‌های به رسمیت شناخته شده را به مقامی بالاتری برسانند و در همان حال گروه‌های کوچک قومی و ناشناخته را به فراموشی بسپارند؛ اما از سوی دیگر، شاهد کاری‌هایی هستیم که در آن‌ها تلاش می‌شود با اقوام مقابله شده و حتی آن‌جا که قومی وجود ندارد، اقوامی تصنعی به وجود بیاورند. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰: ۷۱-۶۹)

۲-۱-۲. مذاهب آسیای مرکزی

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، این منطقه با داشتن قریب ۸۰ درصد مسلمان، یکی از مناطق مهم جهان اسلام محسوب می‌گردد. ازبکستان با داشتن ۸۸ درصد مسلمان، بالاترین جمعیت مسلمان این منطقه را تشکیل می‌دهد. ۹ درصد از مردم این کشور روسی‌تباران مسیحی ارتدوکس و ۳ درصد باقی‌مانده نیز یهودیان و مسیحیان پروتستان و کاتولیک‌اند. بیشتر مسلمانان این کشور اهل سنت و به لحاظ فقهی، حنفی‌اند. (زمانی‌محجوب، ۱۳۹۴: ۲۴۵-۲۵۰) در خصوص شیعیان ازبکستان در حال حاضر آمار رسمی وجود ندارد و تعداد دقیق آنان معلوم نیست؛ با این حال به نظر می‌رسد، حدود ۳۰۰ هزار نفر پیرو مذهب شیعه می‌باشند که از این تعداد حدود ۲۰۰ هزار نفر در سمرقند و ۱۰۰ هزار نفر در بخارا ساکن هستند. (بهمن، ۱۳۹۳: ۱۴۶)

در تاجیکستان ۹۰ درصد مردم پیرو دین مبین اسلام هستند که ۸۵ درصد آنان اهل تسنن (پیرو مکتب حنفی) و ۵ درصد شیعه اسماعیلی و ۱ درصد نیز شیعیان اثنی‌عشری هستند. جمعیت کوچکی مسیحی (ارتدکس)، یهودی، زرتشتی و بهایی نیز وجود دارد. قبل از جنگ داخلی تاجیکستان، حدود ۲۰ هزار یهودی در این کشور زندگی می‌کردند که قبل از آغاز جنگ داخلی به کشورهای دیگر از جمله به اسرائیل مهاجرت کردند و اکنون تعداد بسیار اندکی باقی‌مانده است. (سایت رواق الحجاج، ۱۰ مهر ۱۳۹۰)

مردم جمهوری ترکمنستان سنی‌مذهب و پیرو مکتب حنفی می‌باشند. در میان ترکمن‌ها تصوف به‌طور سنتی از قداست خاصی برخوردار است و ترکمن‌ها برای صوفی‌ها احترام خاصی قائل هستند و لذا مرکزی برای اهل تصوف در مرو، سرخس و نسا وجود دارد. فرقه «نقشبندی» نیز در این کشور رواج دارد. فرقه بهائیت نیز در این کشور فعالیت می‌نماید که از

تعداد دقیق آن‌ها اطلاعی در دست نیست. روس‌های ساکن در این کشور، حدود ۴ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند که همگی مسیحی و پیرو مذهب ارتدوکس هستند. شیعیان ترکمنستان اغلب در شهرهای عشق‌آباد، فیروزه، بایرام‌علی، مرو، تجن و ترکمن‌باشی ساکن هستند. در هیچ یک از شهرهای مذکور برای شیعیان مدرسه دینی یا حوزه علمیه وجود ندارد. (سازمان جغرافیایی ن. م، ۱۳۹۰: ۳۵)

از جمعیت جمهوری قزاقستان ۵۷ درصد مردم مسلمان هستند که ۹۵ درصد آنان اهل تسنن (اکثراً حنفی) و ۵ درصد اهل تشیع می‌باشند. (بهمن، ۱۳۹۳: ۱۳۱) البته برخی منابع دیگر جمعیت مسلمانان این جمهوری را ۴۷ درصد (احمدی‌لفوریکی و میررضوی، ۱۳۸۳: ۴۵۲) و (زمانی‌محبوب، ۱۳۹۴: ۳۲۷) و منبعی دیگر حتی بیش از ۶۰ درصد (فلاح، ۱۳۹۰: ۳۰) اعلام نموده‌اند. بقیه جمعیت قزاقستان را مسیحیان ارتدوکس و دو درصد را هم پروتستان، کاتولیک رومی و یهودی تشکیل می‌دهند. (همان)

مسلمانان بزرگ‌ترین گروه دینی قرقیزستان (۷۵ درصد) را تشکیل می‌دهند. اکثریت مطلق آنان اهل تسنن بوده و از دو فرقه حنفی و شافعی تشکیل می‌شود. حنفی‌ها در اکثریت هستند. تعداد کمی هم شیعیان (طبق برآورد سال ۲۰۰۲ در حدود هزار نفر) در این کشور سکونت دارند. (فلاح، ۱۳۹۰: ۲۷) تعداد شیعیان بومی در قرقیزستان بسیار کم است. به‌نحوی که حتی می‌توان گفت این کشور تقریباً شیعه بومی ندارد و همه آن‌ها مهاجر هستند. (بهمن، ۱۳۹۳: ۱۶۸) ارتدوکس روس ۲۰ درصد و دیگر ادیان از جمله یهودی، کاتولیک، بودایی پنج درصد ترکیب دینی و مذهبی این کشور را شکل داده‌اند. (فلاح، ۱۳۹۰: ۲۷)

۲-۱-۳. جریان‌ها و جنبش‌های شاخص منطقه آسیای مرکزی

آسیای مرکزی به‌عنوان بخشی از جهان اسلام دارای چند جریان و جنبش اسلامی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حال حاضر در این منطقه، گروه‌ها و جنبش‌ها به‌عنوان اپوزیسیون دولت‌های کنونی‌شان عمل می‌کنند و همه خواهان تغییر وضع موجود هستند؛ اما در روش رسیدن به این هدف با یکدیگر تفاوت دارند. (فوزی و پایاب: ۱۳۹۱: ۵۵-۵۴) در ادامه به معرفی شاخص‌ترین گروه‌ها و جنبش‌های عمدتاً اسلامی منطقه پرداخته می‌شود.



○ جنبش اسلامی ازبکستان

جنبش اسلامی ازبکستان کار خود را در روستای حاصل‌خیز و کوچکی در مرکز دره فرغانه آغاز کرد. (وصالی‌مزین، ۱۳۸۵) بر اساس برآورد ازبکستان هواداران جدی «جنبش اسلامی ازبکستان» حدود ۲ تا ۳ هزار نفر و بر پایه برآوردهای مقامات روس ۵ تا ۶ هزار نفر می‌باشند، که حاکمیت طالبان در افغانستان برای آنان پشتوانه روانی و فیزیکی قابل‌توجهی را به‌وجود آورده بود، ولی پس از ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به طالبان و سرنگون شدن حکومت آنان در افغانستان نیروهای بنیادگرای آسیای مرکزی این حمایت مؤثر را از دست دادند. (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۲۰)

○ حزب التحریر

حزب سیاسی-دینی التحریر که به دنبال ایجاد دولت اسلامی بر مبنای خلافت است، یک جنبش فراملی است که در سال ۱۹۵۳ در بیت‌المقدس و در نتیجه انشعاب از اخوان‌المسلمین ایجاد گردید و به‌سرعت در خاورمیانه، شمال آفریقا و سپس جنوب شرق آسیا گسترش یافت. (سنایی، ۱۳۸۵) به نظر می‌رسد خاستگاه این حزب در ازبکستان بوده و بعدها به تاجیکستان و قرقیزستان سرایت کرده است. ظهور حزب التحریر در آسیای مرکزی حاصل تضعیف کنترل اتحاد شوروی بر مذهب و سیاست در اواخر دهه ۸۰ بود. علاقه مردم به اسلام سیاسی اولین بار از سوی جنبش‌هایی مانند حزب رستاخیز اسلامی در تاجیکستان و توسط مجموعه‌ای از گروه‌ها در ازبکستان که تحت‌تأثیر آمیزه‌هایی وهابی‌گری بودند، برانگیخته شد. (وصالی‌مزین، ۱۳۸۵)

○ حزب نهضت اسلامی تاجیکستان

نهضت اسلامی تاجیکستان یکی از مهم‌ترین حرکت‌های اسلامی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در صدسال اخیر است. این نهضت در طول حیات ۲۵ ساله خود، ضمن اترپذیری از حرکت‌ها و نهضت‌های اسلامی این منطقه و جهان اسلام، از جمله حرکت اخوان‌المسلمین در مصر، جهاد مردم افغانستان با شوروی سابق و انقلاب اسلامی ایران، خود نیز موجب بروز و تقویت حرکت‌های اسلامی در آسیای مرکزی شده است. نهضت اسلامی را می‌توان از زمره نهضت‌های جامع که تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی یک جامعه را در برمی‌گیرد و از پشتوانه مردمی برخوردار است محسوب می‌گردد. (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۲۱) حزب نهضت اسلامی

تاجیکستان عناصر اصلی چهارگانه هر نهضت یعنی؛ ایدئولوژی، استراتژی، رهبری، سازمان و تشکیلات را بدو ظهور دارا بوده است. (شمسا، ۱۳۸۹: ۵۳)

○ حزب النصرت

از جمله گروه‌های اسلام‌گرای افراطی فعال در سطح منطقه «حزب النصرت» است. این گروه در سال ۱۹۹۹ میلادی از سوی شماری از حزب التحریر در تاشکند ایجاد شد. یکی از شرایط پذیرش عضو جدید در این گروه گذراندن یک دوره شش‌ماهه آموزش دینی بر اساس کتاب‌های حزب‌التحریر است. اعضای این حزب مانند دیگر احزاب اسلامی منطقه زکات و سایر وجوه شرعی خود را به حزب پرداخت می‌کنند. (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۹)

○ جنبش اسلامی آسیای مرکزی

جنبش اسلامی آسیای مرکزی نیز از جمله گروه‌هایی است که در سال‌های اخیر تشکیل شده است. دولت‌های حاکم بر منطقه آسیای مرکزی اعتقاد دارند که در سال ۲۰۰۳ اعضای گروه‌های اسلامی فعال در سطح منطقه تحت لوای جنبش اسلامی آسیای مرکزی جمع شده‌اند. بر اساس گزارش‌های منتشرشده در سطح منطقه حوزه فعالیت این گروه بسیار وسیع بوده و از چین در شرق تا مناطقی از تاجیکستان، چین، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان را در بر می‌گیرد. صاحب‌نظران اعتقاد دارند که هدف اولیه این جنبش به دست گرفتن قدرت در ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان بوده در مرحله بعد نیز تغییر حاکمیت در ترکمنستان و ازبکستان جزو اهداف مصوب آن است. (شکاری، ۱۳۸۵: ۴۰)

۲-۱-۴. سایر کنشگران محلی منطقه آسیای مرکزی

○ گروه‌های سلفی افراطی (طالبان، القاعده و داعش)

اهمیت سلفی‌گری افراطی در منطقه از آن لحاظ است که این گروه‌ها تحت‌تأثیر اندیشه‌های سنی - وهابی قرار دارند که در صورت قدرت‌گیری آن‌ها، همواره نمی‌توان رویکرد مناسبی با ج. آ. ایران در ارتباط با این گروه‌ها متصور بود. (آقایی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۷۶) خطر بنیادگرایان اسلامی به‌عنوان تهدید اصلی هر پنج کشور آسیای مرکزی محسوب می‌شود. (Tiliouine, et. Al, 2016: 303) در این میان؛ داعش بازیگر در سایه‌ای است که به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک‌روند فعالیت خود را از سال ۲۰۱۴ در منطقه آغاز نموده است. همراه با این روند، استبداد و بی‌ثباتی سیاسی جمهوری‌های منطقه نگرانی مشترک در منطقه است که



به‌عنوان ضعف اساسی، زمینه‌های مساعدی را به‌منظور وسیع‌تر داعش در منطقه فراهم نموده است. (Smith, 2015: 10)

دره فرغانه به‌عنوان دیگ جوشان منطقه با جمعیتی از ملیت‌های مختلف و با مشکلاتی مانند ازدیاد جمعیت، کمبود زمین و آب، بیکاری، فساد، قاچاق مواد مخدر، بزهکاری، اختلافات مرزی در گسترش گروه‌های تندرو اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (Seifert, 2016: 3) در حال حاضر، در این منطقه افزایش گروه‌های مخفی تندرو و همچنین احتمال گسترش ایدئولوژی افراطی را نمی‌توان رد کرد. (Muni, et. Al, 2016: 174-175)

○ روس‌تباران منطقه آسیای مرکزی

یکی از عوامل مهم نفوذ و نقطه قوت روسیه در منطقه آسیای مرکزی وجود جمعیت قابل توجه اقلیت روس در این منطقه است؛ عنصری که هیچ‌یک از بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از آن بهره‌مند نیستند. جمعیت مهاجران روس که به‌اجبار یا اختیار در دوران حاکمیت روس‌ها در منطقه آسیای مرکزی به‌ویژه در دوران اتحاد جماهیر شوروی (در راستای سیاست روسی‌سازی) وارد منطقه آسیای مرکزی شدند را می‌توان به‌عنوان «جامعه دیاسپورای روسی» آسیای مرکزی تعریف کرد. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۴) حضور یک اقلیت روس بانفوذ در قزاقستان (۲۵ درصد) و قرقیزستان (۱۴ درصد) به‌طور قابل‌توجهی همچنان استقلال این کشورها از روسیه را محدود کرده است. (Tiliouine, et. Al, 2016: 303) برابر آمار سال ۲۰۰۷؛ قزاقستان با ۴ میلیون روس تبار بیشترین جمعیت روس و تاجیکستان با ۵۰ هزار نفر اقلیت روس، کمترین میزان جمعیت روسی را در منطقه آسیای مرکزی دارد. قرقیزستان با ۵۰۰ هزار نفر، ازبکستان با ۸۰۰ هزار نفر و ترکمنستان با ۱۵۰ هزار نفر در بین این دو کشور قرار می‌گیرند. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۴: ۸۴-۸۵) روسیه نسبت به سرنوشت اقلیت‌های روسی در این کشورها حساسیت خاصی دارد. یک عنصر مهم در سیاست منطقه‌ای روسیه، حمایت از نژاد روس است. (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۷)

○ جریان فتح‌الله گولن در منطقه آسیای مرکزی

در دهه ۱۹۹۰ میلادی این برداشت در میان سیاست‌مداران ترک وجود داشت که برای پذیرفته شدن در اتحادیه اروپا باید ترکیه سیاست مبتنی بر بازیگر مهم چند منطقه‌ای را در پیش گیرد و بر این اساس ترکیه به سمت خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز حرکت کرد. در همین راستا بود

که گولن در سال ۱۹۹۸ میلادی سازمان «دیالوگ اوراسیا» را در ترکیه ایجاد کرد که مهم‌ترین هدف آن گسترش نفوذ فرهنگی ترکیه در مناطق مختلف دنیا است که در این میان کشورهای قفقاز، روسیه و آسیای مرکزی مورد توجه خاص این سازمان قرار گرفته‌اند. (زیباکلام و گودرزی، ۱۳۹۲: ۱۸۴) اولین مدرسه این جریان در سال ۱۹۹۱ میلادی در قزاقستان کار خود را آغاز کرد؛ بعد از دو سال، تعداد آن‌ها بالغ بر ۲۸ مدرسه در این کشور بود؛ همچنین در سال ۱۹۹۶ به تأسیس دانشگاه دست زدند. بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ در قرقیزستان هم به تأسیس ۱۲ مدرسه و یک دانشگاه اقدام کردند و ۲۰ مدرسه نیز در ترکمنستان ایجاد کردند. در ازبکستان جنبش با چالش‌هایی مواجه بود. با وجود موفقیت‌های اولیه و راه‌اندازی ۱۸ مدرسه در خلال سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵، اما بحران و تنش در مناسبات این کشور با ترکیه منجر به بستن مدارس گردید. (نظری و سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۶۸)

بعد از کودتای نافرجام ترکیه در سال ۲۰۱۶ و منتسب شدن آن به جریان فتح‌الله گولن، دولت ترکیه از کشورهای آسیای مرکزی خواهان تعطیلی مراکز آموزشی این جریان شد. برخی از دولت‌های منطقه این درخواست ترکیه را اجابت کرده و دولت ترکیه در مقابل با اعطای بورس تحصیلی، گسترش مدارس و دانشگاه‌های ترک‌زبان تلاش نمود جای‌گزین مناسبی برای مراکز آموزشی گولن ایجاد نماید. هر چند دولت‌های منطقه با انگیزه حفظ استقلال فرهنگی خود چندان از این اقدامات ترکیه استقبال ننموده و بدینسان از قدرت نرم ترکیه در منطقه کاسته شده است. (حجازی، ۱۳۹۷: ۲۳۷)

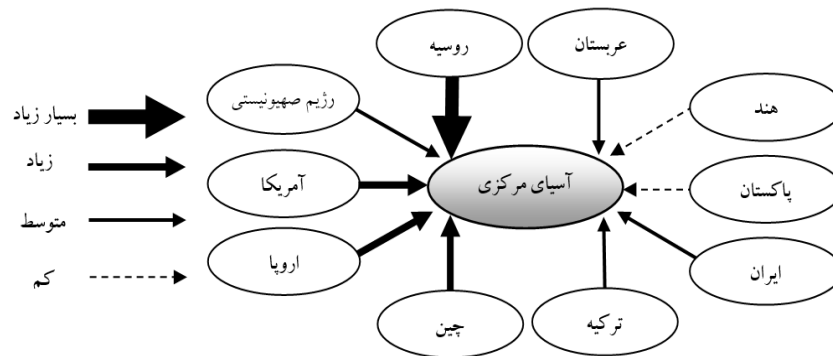
۲-۲. کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آسیای مرکزی

فضای جغرافیایی آسیای مرکزی و به تبع آن ارزش‌های این فضا در رقابت قدرت‌ها در این منطقه مؤثر می‌باشند. مهم‌ترین ارزش‌های جغرافیایی که موضوع رقابت می‌باشند، عبارت‌اند از: موقعیت جغرافیایی، منابع انرژی، مسیرهای انتقال انرژی، سازه انسانی و بازار مصرف آسیای مرکزی. (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۵) شروع رقابت به تحولات و شرایط این منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باز می‌گردد که موجب شد قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ در کشورهای تازه استقلال‌یافته تلاش نمایند. (واعظی، ۱۳۹۲: ۱) در دوره اولیه استقلال آسیای مرکزی یک جهت‌گیری ژئوپلیتیکی در حال رشد

نسبت به غرب نمایان بود و فشار برای پیوستن به بازارهای آزاد و نسخه اقتصادی لیبرال برای اصلاحات، با درجات مختلفی از موفقیت در سراسر منطقه به اجرا در آمد. (Rumer, et. Al, 2016: 26) در واقع، فروپاشی حکومت سوسیالیستی شوروی و عقب‌نشینی شوروی و سپس روسیه از منطقه آسیای مرکزی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، فضای جغرافیایی این منطقه را دچار خلأ قدرت قابل توجهی نمود. این خلأ قدرت، زمینه‌ساز انبساط فضایی حوزه‌های نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردید و به دنبال آن تداخل لایه‌های حوزه نفوذ، الگوی کشمکش و رقابت را مجدداً شکل داد. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۷)

آمریکا، روسیه، چین، اتحادیه اروپا و ناتو قدرت‌هایی هستند که توانایی اعمال قدرت و نفوذ در خارج از مرزهای خود را دارند و می‌توانند نقش مهمی در صحنه سیاسی ایفا کنند و وضعیت ژئوپلیتیکی آن را تغییر دهند. (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰: ۱۳۷) منابع انرژی منطقه؛ با توجه به افزایش نیاز به انرژی در آینده، وجود منابع نفت و گاز بر اهمیت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز افزوده و موجب رقابت برخی از قدرت‌های اقتصادی برای تسلط بیشتر بر منابع انرژی شده است. (واعظی ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۸۴)

در شکل (۱) میزان حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی آمده است. (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱: ۳۸)



شکل ۱- میزان حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی

۲-۲-۱. فدراسیون روسیه

روسیه با داشتن مرزهای طولانی و مجاورت جغرافیایی با منطقه آسیای مرکزی و سابقه طولانی حضور و تسلط بر منطقه، یکی از بزرگ‌ترین و در عین حال قدرتمندترین و مؤثرترین کنشگران منطقه به شمار می‌رود. (پیشگاهی‌فرد و جنیدی، ۱۳۸۹: ۶۳) روابط روسیه با جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی، که در ادبیات راهبردی روسیه از آن‌ها با عنوان کشورهای «خارج نزدیک» یاد می‌شود، همانند روابط با دیگر مناطق جهان، از گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی روسیه تأثیر پذیرفته است. (عزیزی، ۱۳۹۱: ۶۸) به این ترتیب از سال ۱۹۹۳ به بعد، نگرش روسیه نسبت به جمهوری‌های پیرامونی تغییر پیدا کرد. در سند «تدبیر سیاست خارجی» روسیه که در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید، اعلام شد که همه سرزمین شوروی، حوزه حیاتی روسیه است که نباید منافع ملی این کشور در آن نادیده گرفته شود. (کریمی، ۱۳۸۲: ۵۶) در سند مفهوم سیاست خارجی روسیه که در سال ۲۰۱۶ به تصویب رسید نیز، توسعه همکاری دوجانبه و چندجانبه با دولت‌های عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۱ و تحکیم بیشتر ساختارهای همگرایی فعال در حوزه جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع همراه با مشارکت روسیه، از اولویت‌های جهت‌دار سیاست خارجی فدراسیون روسیه عنوان شده است. (موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، ۱۳۹۵: ۱۹)

به‌طور کلی جمهوری‌های آسیای مرکزی برای روسیه از سه منظر حائز اهمیت هستند؛ اول این که این کشورها به دلیل مناسبات و ساختارهای گذشته، بازار بلافصل روسیه محسوب می‌شوند. دوم این که، جمهوری‌های شوروی سابق به‌مثابه عمق امنیتی روسیه تلقی می‌شوند و روسیه این منطقه را حوزه انحصاری تضمین امنیت خود به شمار می‌آورد. سوم این که روسیه از طریق ایجاد ساختارهای منطقه‌ای در حوزه جمهوری‌های شوروی سابق و به‌ویژه جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، مانند سازمان همکاری شانگهای و پیمان امنیت جمعی، تلاش می‌کند تا سطح بازیگری خود را در سطح بین‌المللی ارتقا ببخشد. (واعظی، ۱۳۹۲: ۷-۶) به‌طور کلی علایق روسیه در آسیای مرکزی را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

1. CIS

- حفاظت خاک روسیه از عوامل بی‌ثبات کننده ناشی از آسیای مرکزی (افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر).
- تأمین امنیت منطقه از طریق مداخله محدود و تعامل با دیگر بازیگران خارجی.
- کنترل بخشی از منابع هیدروکربن آسیای مرکزی و همچنین دیگر مواد خام و دارایی‌های این منطقه.
- تثبیت وضعیت این منطقه به‌عنوان بخشی از «حوزه نفوذ» روسیه. (Peyrouse, et. Al, 2012: 6)

۲۲۱



۲-۲-۲. جمهوری اسلامی ایران

منطقه آسیای مرکزی در حوزه تمدنی ایران قرار دارد. وجود کشور فارسی‌زبان تاجیکستان و شهرهای بزرگ و آباد سمرقند و بخارا با اکثریتی فارسی‌زبان نشان‌دهنده پیوند فرهنگی-تمدنی ایران با کشورهای این منطقه است. از نظر سیاسی-امنیتی نیز این منطقه به دلیل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، داشتن مرزهای طولانی آبی-خاکی، تلاش آمریکا و ناتو برای نفوذ در منطقه، شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به مرکزیت این منطقه و رژیم حقوقی دریای خزر دارای اهمیت قابل‌توجهی است. از نظر اقتصادی، انتقال خطوط انرژی و نقش ترانزیتی و کریدوری ایران در ارتباط این کشورها با آب‌های آزاد و همچنین بازار مصرف این کشورها دارای اهمیت است. اما به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای، ایران تاکنون نتوانسته است در مقایسه با سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش اقتصادی پررنگی در این جمهوری‌ها ایفا نماید. (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۰) به‌نظر می‌رسد، عوامل متعددی در بازیگری ایران مؤثر بوده‌اند: اولاً؛ جمعیت ایران بیشتر شیعه هستند، در حالی که بیشتر مسلمانان آسیای مرکزی سنی‌اند. ثانیاً؛ هویت ایران به‌طور بارزی دارای ماهیت مذهبی است که نمی‌تواند خوشایند رهبران سکولار کشورهای منطقه باشد. ثالثاً؛ سیاست‌های ضدغربی ایران، مطلوب کشورهای تازه‌استقلال‌یافته آسیای مرکزی نیست، زیرا آن‌ها نیازمند کمک‌های غرب برای توسعه اقتصادی خود هستند. (سیمبر، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۱) یکی از گفتمان‌های سیاست خارجی ج. آ. ایران نسبت به آسیای مرکزی، گفتمان ایدئولوژیک بوده است. ج. آ. ایران از زمان استقلال جمهوری‌های منطقه، تأمین اهداف و

منافع ایدئولوژیک و تلاش برای صدور انقلاب به این منطقه را مدنظر داشت، اما در گذر زمان به این واقعیت رسید که در آسیای مرکزی به دیگر ابعاد نیز توجه نماید، لذا تا حدود زیادی سیاست عمل‌گرایانه و واقع‌گرایانه را در پیش گرفت. (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۱۱۷) در راستای پویایی‌های سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی در قالب راهبرد اوراسیایی و فعال شدن تهران در نهادهای منطقه‌ای از اواخر سال ۱۳۹۴ مذاکرات فشرده‌ای بین دولت‌های ایران با پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ جهت ایجاد منطقه موقت آزاد تجاری برای یک دوره سه ساله آزمایشی صورت گرفت که سرانجام موافقت‌نامه مذکور، در ماه می ۲۰۱۸ میلادی (اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷) در شهر آستانه پایتخت قزاقستان توسط وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت ایران امضا و هیأت وزیران نیز در تاریخ ۱۸ آذرماه ۱۳۹۷ لایحه مربوطه را به تصویب رساند. این توافق که بعد از دو سال مذاکره به نتیجه رسیده، از هفته اول آبان ۹۸ ماه اجرایی می‌شود. قرار است موافقت‌نامه تمام عیار تجارت آزاد با اوراسیا امضا شود و از سه سال دیگر تقریباً تمام کالاها مشمول کاهش تعرفه خواهند شد. براساس این موافقت‌نامه، ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیا امتیازات گمرکی خاصی دریافت کرده و کشورهای این اتحادیه هم این امکان را خواهند داشت تا حجم صادرات خود به ایران را تا ۷۵ درصد افزایش دهند. ایران نیز می‌تواند با امتیازاتی که دریافت می‌کند، صادرات کالاهای خود به مقصد پنج کشور اوراسیایی را تا چند برابر افزایش دهد. پیوستن ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا منجر به جهش بزرگی در صادرات نفتی و غیرنفتی ایران خواهد شد. در حقیقت عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا که چشم‌انداز روشنی پیش روی آن قرار دارد، می‌تواند نقش موثری در عبور ایران از تنگناهای اقتصادی ایفا کند. (ابن‌الو، ۱۳۹۸)

۲-۲-۳. جمهوری خلق چین

هم‌جواری و هم‌مرز بودن چین با کشورهای آسیای مرکزی توأم با رشد سریع اقتصادی این کشور، شرایط خاصی را بر روابط این کشورها با چین موجب شده است. به‌طورکلی روابط

۱. در حال حاضر، اعضای این اتحادیه روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان هستند که عضو اتحادیه گمرکی اوراسیا نیز هستند. تاجیکستان، گرجستان، ازبکستان، مولداوی، اوکراین، پاکستان، ترکیه، ایران، چین و ویتنام نیز از دیگر گزینه‌های احتمالی عضویت در این اتحادیه اوراسیا هستند.



دوجانبه چین و کشورهای این منطقه از روند جهان‌شمول دیپلماسی اقتصادی پکن مستثنی نیست. علاوه بر هم‌جواری ژئوپلیتیک و اهمیت خاص این منطقه برای چین، پکن تداوم و گسترش روابط خود با کشورهای این منطقه در عرصه اقتصادی باهدف حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی در داخل به‌خصوص مناطق مرزی چون سین‌گیانگ را در سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده است. (شاه‌منصوری و شامیری، ۱۳۸۹: ۷۵) به نظر می‌رسد؛ حضور چین در منطقه فراتر از منطبق صرفاً اقتصادی بوده و چین به دنبال آن است تا با استفاده از اقدامات سیاسی و هماهنگی‌های دیپلماتیک به حفظ ثبات منطقه کمک کرده و تهدیدات امنیتی خود را تعدیل نماید. (Bolonina, 2019: 13)

تشکیل جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی فرصت فوق‌العاده‌ای را برای چین به وجود آورد تا منافع سابق خود در منطقه را بازیابد. حل اختلافات مرزی و کسب منافع اقتصادی بیشتر در آسیای مرکزی چین را برای حضور گسترده در منطقه ترغیب کرد. وجود ناامنی در مرزهای سین‌کیانگ، سبب شد تا پکن با توسعه مناسبات دیپلماتیک با کشورهای منطقه کنترل بیشتری نسبت به اویغورهای سین‌کیانگ داشته باشد. (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۳) آشکار است که چین از طریق پروژه‌های استخراج منابع طبیعی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و اعطای وام‌های کم‌بهره به شریک اصلی تجاری این کشورها تبدیل شده است. بیش از ده درصد از واردات نفت و گاز چین از آسیای مرکزی انجام می‌پذیرد. سرعت گسترش روابط تجاری چین با این کشورها سرسام‌آور است. (Mariani, 2013: 10) چین بزرگ‌ترین واردکننده جهانی گاز طبیعی و نفت خام است و به همین واسطه به روسیه بسیار وابسته است. این منطقه غنی از هیدروکربن می‌تواند به عنوان منبع جایگزین واردات انرژی عمل کند و وابستگی چین به مسکو را کاهش دهد. (Sahai, 2019:2) علایق چین در آسیای مرکزی را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- توقف آسیای مرکزی از تبدیل شدن به یک پایگاه برای فعالین اویغوری؛
- یکپارچه‌سازی آسیای مرکزی با استراتژی بازارهای جهانی چین از طریق گشودن درهای شمال و غرب؛
- کنترل بخشی از منابع هیدروکربن آسیای مرکزی و همچنین دیگر مواد خام و دارایی‌های این منطقه؛

▪ اجتناب از تبدیل شدن آسیای مرکزی به یک نیروی بی ثبات کننده که موجب افزایش تعهدات چین در مشارکت در امور امنیتی خارج از مرزهای این منطقه گردد. (Peyrouse, et. Al, 2012: 11)

۲-۲-۴. ایالات متحده آمریکا

منطقه آسیای مرکزی برای آمریکا اهمیت ژئوپلیتیکی بالایی دارد؛ به این شکل که استقرار آمریکا در آسیای مرکزی می تواند ضمن مبارزه مستقیم با تروریسم و استفاده از منابع انرژی منطقه، از یک سو به گسترش نفوذ این کشور و از سوی دیگر به کنترل و مقابله با نفوذ رقبای سنتی اش همچون روسیه و چین منجر شود. البته میزان موفقیت این راهبردها و هدف ها به چگونگی مواجهه آمریکا با چالش هایی همچون وضعیت جغرافیایی منطقه، افراطی گری اسلامی و تروریسم و رقبای منطقه ای همچون روسیه و چین بستگی دارد. (جوادی ارجمند و سلاورزی زاده، ۱۳۹۶: ۲۷۱) اکنون؛ آمریکا همه وسایل قدرت خود را برای تثبیت خود به عنوان یک بازیگر اصلی در آسیای مرکزی و نیز در سراسر کشورهای مستقل مشترک المنافع به کار می گیرد. به طور کلی، منافع استراتژیک، دسترسی به انرژی و جلوگیری از احیای یک امپراطوری روسی و سیاست بین المللی ارزشی، مبنی بر ترویج دموکراسی، به عنوان اصلی ترین هدف آمریکا از حیث شعاری و نیز واقعی می باشد و می توان هدف اصلی و نهایی آمریکا از ورود به صحنه اوراسیای مرکزی را جلوگیری از نفوذ و سلطه روسیه و یا هر قدرت دیگری در منطقه دانست. (زرگر و صیاد، ۱۳۹۵: ۱۸۰)

منافع آمریکا در آسیای مرکزی را به صورت خلاصه می توان به شرح زیر برشمرد:

- گسترش سیاست های آمریکا در جمهوری های منطقه برای جلوگیری از ظهور دوباره توسعه طلبی روسیه؛
- جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه آسیای مرکزی؛
- جلوگیری از انتقال منابع انرژی منطقه از راه ایران با هدف مهار و انزوای ایران؛
- جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته ای؛
- جلوگیری از رشد اسلام سیاسی رادیکال ضد غربی در منطقه؛
- مهار جنگ های داخلی و جلوگیری از فروپاشی کشورهایی که ممکن است کشورهای مجاور را تحت تأثیر قرار دهند؛

- سرمایه‌گذاری و ایفای نقش در رشد اقتصادی این کشورها به‌خصوص در مورد اکتشاف و استخراج مواد اولیه؛
- حمایت از رعایت حقوق بشر، مردم‌سالاری، اقتصاد بازار آزاد و حفاظت محیط‌زیست. (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۳۹)

۲-۲-۵. اتحادیه اروپا

به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در کانون توجه کشورهای اروپایی قرار گرفتند. اروپاییان به‌خوبی به این امر واقف بودند که هم‌جواری با جمهوری‌های تازه تولد یافته، یک واقعیت ژئوپلیتیک محسوب شده و قابل اغماض نیست. این واقعیت ژئوپلیتیک می‌توانست هم به‌عنوان یک چالش و هم یک فرصت برای اروپا مطرح گردد. طبیعی‌ترین و منطقی‌ترین راه برای تعامل با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز از سوی اروپا، حرکت در مسیری بود که نهایتاً با انجام اصلاحات عمیق در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و امنیتی، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به شرکای همگون و هم‌پیمانان پایدار برای اروپا تبدیل نماید. (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۲۸-۱۲۷) در دوره اولیه استقلال آسیای مرکزی یک جهت‌گیری ژئوپلیتیکی در حال رشد نسبت به غرب، از جمله نهادهای سیاسی و امنیتی غربی و مدل‌های اقتصادی از اصلاحات و توسعه نمایان بود. فشار برای پیوستن به بازارهای آزاد و نسخه اقتصادی لیبرال برای اصلاحات، با درجات مختلفی از موفقیت در سراسر منطقه در حالی اجرا شد که با مخالفان سیاسی یا ایدئولوژیک کمی روبرو بود. چراکه هیچ مدل جایگزین معتبری وجود نداشت. برای سال‌های بسیاری پس از استقلال، غرب پیشرو در ارائه کمک‌های اقتصادی و فنی به آسیای مرکزی بود. اولین طرح‌های ابتکاری برای باز کردن قفل منابع انرژی منطقه سرچشمه از غرب و توسط شرکت‌ها و دولت‌های ایالات‌متحده و اروپا ترویج شد. (Rumer, et. Al, 2016: 26) اگرچه اروپایی‌ها به محدودیت‌های ظرفیت‌های خود در آسیای مرکزی واقف‌اند، اما به دنبال آن هستند تا با اتخاذ سیاست‌های فعال در منطقه، در تحولات ژئوپلیتیکی و تغییر در روابط بین بازیگران اصلی منطقه (روسیه، چین و آمریکا) نقش قابل توجهی ایفا نمایند. (Kilybayeva, et. Al, 2018: 52) شاید بتوان

برنامه‌های اتحادیه اروپا در کمک به کشورهای منطقه در بهبود امنیت مرزها و مقابله با قاچاق مواد مخدر را در همین راستا ارزیابی نمود. (Russell, 2019: 5)

۲-۲-۶. عربستان سعودی

در دوره معاصر، پیشینه حضور عربستان سعودی در منطقه آسیای مرکزی به سال‌های آخر حیات سیاسی اتحاد جماهیر شوروی و متعاقب آن فروپاشی این ابر قدرت شرق و در نتیجه، استقلال جمهوری‌های جدا شده از آن در این منطقه بر می‌گردد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم و استقلال جمهوری‌های جدا شده از آن در سال ۱۹۹۱ میلادی، استقبال و خوشایند سعودی‌ها را هم در پی داشت و دولت پادشاهی ریاض به زعم خود به عنوان خادم حرمین شریفین از این‌که مسلمانان آسیای مرکزی از زیر یوغ و سلطه حاکمیت یک نظام ضددینی و کمونیستی رهایی یافتند راضی و خشنود به نظر می‌رسید. در واقع عامل و فاکتور اشتراک دینی و مذهبی بهانه اصلی مقامات و دولت مردان نظام پادشاهی آل سعود برای توجه به این منطقه و حضور در کشورهای آسیای مرکزی شد و مقامات سعودی سعی در ارتباط‌گیری با سران و دولت مردان جمهوری‌های آسیای مرکزی کردند. سعودی‌ها در درجه اول از یک نظرگاه توأمان سیاسی و ایدئولوژیک به جمهوری‌های آسیای مرکزی نگاه می‌کنند و اولویت آن‌ها از این جهت پیگیری و اجرای دو راهبرد و استراتژی اساسی است که عبارت‌اند از: راهبرد اول ترویج و گسترش تفکر و عقیده انحرافی و هابیت و سلفی‌گری است. راهبرد دوم دولت مردان ریاض همانند حرکتشان در سایر مناطق جغرافیایی جهان اسلام، مقابله با گفتمان و پیام انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان داعیه‌دار ارائه قرائت درست و اصیل از اسلام که به تعبیر امام راحل، اسلام ناب محمدی (ص) است. (میرمحمدی، ۱۳۹۴)

۲-۲-۷. رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی، به‌عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای به‌صورت خزنده در حال افزایش حضور خود در منطقه آسیای مرکزی و خزر است. (Basiri and et. Al, 2004: 119) رهیافت عمل‌گرایانه‌ای که رژیم صهیونیستی در قبال این کشورها اتخاذ کرده آن‌ها را متقاعد نموده است که این رژیم می‌تواند به‌عنوان یک کشور دموکراتیک با مهارت‌های بالای فناورانه، در



تبدیل این جمهوری‌ها به کشورهای مدرن و توسعه‌یافته مؤثر باشد. (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۱: ۸۶)

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصتی مناسب برای تحقق هدف خروج از انزوا برای رژیم صهیونیستی ایجاد شد. چرا که تعدادی از کشورهای مسلمان که دارای سیستم حکومتی لائیک یا غیردینی بودند، در آسیای مرکزی پدید آمدند. از این پس یکی از سیاست‌های این رژیم، برقراری روابط رسمی با این کشورها و بزرگ‌نمایی این مناسبات بود. تخریب و تضعیف روابط دوستانه ایران با کشورهای آسیای مرکزی، هدف دیگر رژیم صهیونیستی است و در این خصوص با استفاده همه‌جانبه از رسانه و اعمال دیپلماسی عمومی، در مقاطع مختلف با انتشار اخبار ساختگی یا ناقص، سعی در بدبین کردن مسئولان آسیای مرکزی نسبت به ایران و برعکس دارد. هدف دیگر رژیم صهیونیستی، بازاریابی برای فروش سلاح بوده و برای تحقق این هدف، تمایل دارد تنش‌ها و مناقشه‌ها در این منطقه تداوم یافته و مرتفع نشود. از سوی دیگر؛ فدراسیون روسیه و رژیم صهیونیستی به‌رغم داشتن روابط رسمی، از لحاظ راهبردی به‌ویژه با توجه به بحران سوریه، دارای اختلافات جدی هستند. یکی از اهداف تل‌آویو از حضور در آسیای مرکزی که حوزه فعالیت و حیات خلوت مسکو محسوب می‌شود، تأثیرگذاری منفی بر روابط مسکو و این منطقه و به نوعی مهار قدرت روسیه است. همچنین؛ رژیم صهیونیستی با تأسیس مراکز متعدد فرهنگی تحت پوشش نهادهای خیریه در این جمهوری‌ها و با به‌کارگیری ابزارها و شیوه‌های فرهنگی از جمله برگزاری جشنواره‌های فیلم، نمایشگاه‌های کتاب و... در صدد نفوذ فرهنگی در این کشورهای مستقل و مسلمان است. به موارد فوق باید فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی، حمایت از تجزیه‌طلبان و تقویت جایگاه اقلیت‌های یهودی را نیز اضافه کرد. نکته آخر این که توسعه روابط رژیم اشغالگر با کشورهای آسیای مرکزی، ارتباط مستقیم با نوع روابط ایران با این کشورها دارد. در واقع به هر نسبت که روابط ایران و کشورهای منطقه تقویت شود، به همان نسبت مناسبات رژیم صهیونیستی و این کشورها تضعیف می‌شود. به همین دلیل باید تقویت مناسبات ایران با کشورهای منطقه و بخصوص با همسایگان شمالی را بر مبنای سیاست مقابله با رژیم صهیونیستی طراحی کرد و برای آن اولویت ویژه قائل شد. (پاک‌آئین، ۱۳۹۶)

۲۲۷



سیاست جهانی

۲-۲-۸. ترکیه

ترکیه به دلیل برخورداری از اشتراکات قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی با کشورهای منطقه با شکل‌گیری خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی، خود را ذیحق می‌دانست با ایفای نقشی پررنگ چتر نفوذ خود را بر سر حداقل چهار جمهوری ترک‌زبان از این پنج جمهوری بگستراند. لذا ترک‌ها در اوایل دهه ۹۰ میلادی بر آن شدند، ضمن سیاست نگاه به شرق، برنامه‌هایی شبیه منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه را برای کشورهای تازه استقلال‌یافته سازماندهی کنند تا در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، علمی، ارتباطات، کشاورزی، پزشکی و نظایر آن تعاملات سازنده صورت پذیرد. (عطایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۱) از نظر امریکا، سیستم حکومتی ترکیه الگویی مطلوب برای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به شمار می‌آید. (نصری‌مشکینی، ۱۳۷۹: ۹۸) بی‌شک هدف آمریکا در معرفی ترکیه به عنوان یک الگو و کمک به این کشور برای نفوذ در منطقه، در راستای جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و روسیه و ایجاد مانع جهت گسترش اسلام سیاسی و تأمین منافع غرب است. (دیوسالار، ۱۳۸۵: ۲۴) رهبران سکولار منطقه به‌منظور تقویت قدرت خود و گذار از سوسیالیسم فئودالی به بازار سرمایه‌داری و دموکراسی کنترل‌شده، مدل کمالی است^۱ ترکیه را به تصویب رسانده و راه ترکیه در توسعه اقتصادی را شبیه‌سازی نموده‌اند. (Tiliouine, et. 2016: 303) آن‌چه مسلم است حضور ترکیه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، به‌ویژه فرهنگی و زبانی، چالشی جدی برای سیاست خارجی ج. آ. ایران در این منطقه به‌شمار می‌رود. (علویان و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۸: ۷۷)

۲-۲-۹. جمهوری هند

هند پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جهت برقراری پیوند و ارتباط مؤثر با کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی، بیش از دو دهه به امید دریافت کمک‌های امریکا و گروه غرب بیهوده به انتظار حمایت آن‌ها نشست. از سوی دیگر، اقدام این کشور جهت دسترسی مستقیم به آسیای مرکزی و قفقاز از طریق کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال-جنوب و راه‌های مواصلاتی ایران به عنوان پل ارتباطی هند با آسیای مرکزی نیز با مخالفت‌های امریکا به تأخیر افتاد و سایر راهبردها نیز به نتیجه مطلوب نرسیده است. (پوراحمدی‌مبیدی و

1. Kemalist model



همکاران، ۱۳۹۶: ۱) رشد پایدار اقتصادی هند از اوایل دهه ۱۹۹۰، همراه با ظهور آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان محصولات مرتبط با نفت و گاز در جهان، پایه جدیدی را برای تعریف مجدد روابط سنتی خود با منطقه آسیای مرکزی فراهم کرده است. علاقه راهبردی هند به آسیای مرکزی شامل امنیت انرژی، توسعه تجارت و برنامه توسعه زیرساخت‌های این منطقه است. (Kothari, 2018: 28) هند به‌عنوان یک کشور درجه دو در منطقه، تمایل دارد که نقش بیشتری را در منطقه آسیای مرکزی ایفا نماید، ولی فاقد ظرفیت‌های لازم برای گسترش قابل توجه است. اولویت اصلی برای هند حفظ صلح و ثبات در این منطقه است. زیرا دهلی‌نو همیشه نگران جنگ و ناآرامی در افغانستان و آسیای مرکزی است. همچنین منطقه را بازار تجاری مناسبی برای خود می‌داند. اما بعد مسافت بین هند و این منطقه و عدم راه‌های هوایی مناسب از طریق افغانستان، تحقق این خواسته‌های هند را مشکل‌تر می‌سازد. (Iazmuradov, 2006: 87) هند باید سخت تلاش کند تا در یک محیط کاملاً رقابتی پیش رود تا حضور خود را در آسیای مرکزی احساس کند. (Kothari, 2018: 28)

۲-۱۰. جمهوری اسلامی پاکستان

پاکستان دارای منافع راهبردی و اقتصادی عظیمی در آسیای مرکزی است. منافع اقتصادی مهم‌ترین دلیل برقراری روابط دوجانبه بین پاکستان و کشورهای منطقه بوده و در این میان پیشرفت و تقویت مناسبات هماهنگ اقتصادی مهم‌ترین هدف این کشور در منطقه است. بزرگ‌ترین مسأله‌ای که جهان با آن روبرو است انرژی است و هر کشوری برای برآورده کردن نیازهای انرژی خود همواره در نبرد است. پاکستان نیز از منابع انرژی کافی برخوردار نبوده و در جستجوی منابع انرژی ارزان است و کشورهای آسیای مرکزی به‌خوبی می‌توانند عطش انرژی این کشور را فرو نشانند. همچنین؛ یکی از دلایل علاقه راهبردی پاکستان به آسیای مرکزی آن است که این منطقه به‌عنوان یک عنصر اساسی در تنظیم مناسبات خارجی این کشور محسوب می‌شود. با توجه به نگرش خصمانه هند در برابر پاکستان آسیای مرکزی می‌تواند برای پاکستان از اهمیت حیاتی‌تری برخوردار باشد. در این رابطه، پاکستان در تلاش است تا با ایجاد، حفظ و تقویت امنیت در افغانستان به آسیای مرکزی دست یابد. (Dashti, 2016: 68) سیاست‌گذاران پاکستان در راستای تحقق منافع اقتصادی، سیاسی و

راهبردی خود در حال تدوین سیاست خارجی جامع در قبال این منطقه هستند، اما پاکستان در برقراری روابط با این منطقه با موانع جدی روبرو است. یکی از مهم‌ترین موانع در جهت تحقق منافع اقتصادی پاکستان، عدم وجود مرز مشترک برای دسترسی آسان‌تر به این منطقه است. کریدور واخان، یک نوار باریک ۱۶ کیلومتری در ضلع شمال شرقی افغانستان است که می‌تواند پاکستان را با تاجیکستان متصل کند که آن هم به دلیل ناامنی و تروریسم در افغانستان چندان در دسترس نیست. در مجموع؛ به دلیل ناآرامی‌ها در افغانستان، هیچ توافق‌نامه تجاری، احداث خط لوله انتقال نفت و گاز و خط انتقال برق بین پاکستان و این منطقه به راحتی تحقق نمی‌یابد. (Ullah Khan & Elahi, 2016: 30)

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای هدف، یک «تحقیق کاربردی- توسعه‌ای» است و با عنایت به ماهیت تحقیق که توأمان از روش‌های کمی (پیمایشی- خبرگی) و روش‌های کیفی (روش اسنادی و تحلیل محتوای کیفی) استفاده می‌نماید، فلذا رویکرد تحقیق حاضر «آمیخته» محسوب می‌گردد. جامعه آماری شامل؛ خبرگان عمدتاً دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های مرتبط با حوزه‌های مطالعاتی و عملیاتی منطقه آسیای مرکزی است. حجم نمونه شامل ۳۲ نفر از خبرگان این حوزه است که به صورت هدفمند انتخاب گردیده‌اند. به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جهت تدوین ادبیات تحقیق، سوابق مسأله و موضوع تحقیق از «مطالعات کتابخانه‌ای» با استفاده از «ابزار فیش‌برداری» و در خصوص جمع‌آوری داده‌های واقعی نیز از «مطالعات میدانی» با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه بسته استفاده گردیده است. سئوالات مصاحبه و پرسشنامه از دو جنبه روایی ظاهری و محتوا به جهت روشن و بدون ابهام بودن گویه‌ها و همچنین کفایت کمیت و کیفیت آن‌ها توسط خبرگان، صاحب‌نظران تأیید گردیده و ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه نیز ۰/۹۰۶ بوده که بیانگر پایایی بالای پرسشنامه است. داده‌های کمی جمع‌آوری شده با استفاده از ابزار پرسشنامه با استفاده از «آماره‌ها یا پارامترهای توصیفی» مورد تجزیه و تحلیل



قرار گرفته و به منظور رتبه‌بندی اهمیت گزاره‌های پرسشنامه نیز از «روش آنتروپی شانون»^۱ استفاده شده است.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. تجزیه و تحلیل آماری داده‌های جمعیت‌شناختی

اطلاعات جمع‌آوری شده مربوط به پاسخ‌دهندگان و توصیف آماری آن به شرح جدول (۱) است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه آماری (بر حسب درصد)

سن خدمتی				
۱۰ الی ۱۵ سال	۱۵ الی ۲۰ سال	۲۰ الی ۲۵ سال	۲۵ الی ۳۰ سال	۳۰ سال به بالا
۹,۳۸	۲۱,۸۷	۲۵	۲۸,۱۳	۱۵,۶۲
رشته تحصیلی				
مطالعات منطقه‌ای	علوم سیاسی	جغرافیای سیاسی	مدیریت راهبردی	روابط بین‌الملل
۳۱,۲	۱۸,۷	۱۵,۷	۱۵,۷	۱۸,۷
سازمان یا محل خدمتی				
مراکز راهبردی	امور خارجه	خبرگان دانشگاهی	نیروهای مسلح	وزارت اطلاعات
۱۸,۷۵	۱۵,۶۲	۱۸,۷۵	۳۷,۵	۹,۳۷
سطح تحصیلات				
کارشناسی	کارشناسی ارشد	دانشجوی دکتری	دکتری	
۶,۲۵	۳۴,۳۷	۲۵	۳۴,۳۷	
سابقه فعالیت در منطقه آسیای مرکزی				
یک تا سه سال	سه تا پنج سال	بیش از پنج سال		
۱۵,۶۲	۳۷,۵	۴۶,۸۸		

1. Shnnon Entropy Method

۴-۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌های تحقیق

به منظور پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش، ابتدا فهرستی از کنشگران (محلّی، منطقه‌ای و بین‌المللی) منطقه آسیای مرکزی بر اساس مطالعه ادبیات موضوع و تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با کارشناسان منطقه احصاء و سپس توسط جامعه خبرگی تحقیق، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این گام، علاوه بر پرسش در خصوص موافق یا مخالف بودن خبرگان با تاثیرگذار بودن هر یک از بازیگران در تحولات آینده منطقه آسیای مرکزی، میزان اهمیت و همچنین نوع رابطه آنان با جمهوری اسلامی ایران نیز مورد پرسش قرار گرفته و با استفاده از روش آنتروپی شانون رتبه‌بندی شده است. در ادامه جداول مربوط به این تجزیه و تحلیل آمده است.

جدول ۲- اقوام آسیای مرکزی به ترتیب اهمیت و نوع رابطه با ج. آ. ایران

رتبه	کنشگران	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت	نوع رابطه با ج. آ. ایران (به درصد)		
					همسو	متغیر	مخالف
۱	قوم تاجیک	مخالف	۳,۱	۰,۲۰۲۸	۴۶,۸	۵۰	۰
		موافق	۹۶,۹				
۲	قوم قزاق	مخالف	۶,۳	۰,۲۰۱۵	۱۲,۵	۶۸,۷۵	۰
		موافق	۹۳,۸				
۳	قوم ازبک	مخالف	۹,۴	۰,۲۰۰۳	۰	۵۰	۱۵,۶۲
		موافق	۹۰,۶				
۴	قوم ترکمن	مخالف	۹,۴	۰,۱۹۸۱	۱۲,۵	۶۸,۷۵	۳,۱
		موافق	۹۰,۶				
۵	قوم قرقیز	مخالف	۹,۴	۰,۱۹۷۳	۹,۳۸	۷۸,۱۳	۳,۱
		موافق	۹۰,۶				

همان‌گونه که در جدول (۲) آمده است، بیش از ۹۰ درصد از پاسخ‌گویان، موافقت خود را به تأثیرگذاری اقوام ۵ گانه آسیای مرکزی بر تحولات آینده آسیای مرکزی اعلام نموده که در میان آن‌ها قوم تاجیک و قزاق با اهمیت‌ترین قوم معرفی شده‌اند. از منظر همسویی نیز قوم

تاجیک دارای بیشترین و قوم ازبک کمترین قرابت را با جمهوری اسلامی ایران دارند. سایر اطلاعات مربوط به اقوام کشورهای منطقه و نوع رابطه آن‌ها با ج. آ. ایران در جدول مورد اشاره آمده است.

جدول ۳- مذاهب آسیای مرکزی به ترتیب اهمیت و نوع رابطه با ج. آ. ایران

رتبه	کنشگران	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت	نوع رابطه با ج. آ. ایران (به درصد)		
					همسو	متغیر	مخالف
۱	اهل سنت	مخالف	۰	۰,۲۹۱۵	۳,۱	۴۰,۶	۲۷,۵
		موافق	۱۰۰				
۲	اهل تصوف	مخالف	۳۱,۳	۰,۲۵۰۵	۱۸,۸	۲۵	۲۵
		موافق	۶۸,۷				
۳	شیعیان	مخالف	۳۴,۴	۰,۲۴۵۵	۱۸,۶	۹,۳۸	۰
		موافق	۶۵,۶				
۴	سایر مذاهب (مسیحیت، یهودیت و ...)	مخالف	۴۶,۹	۰,۲۱۲۵	۰	۳۴,۳۷	۳۱,۲۵
		موافق	۵۳,۱				

همان‌گونه که در جدول (۳) آمده است، بیش از ۵۰ درصد از پاسخ‌گویان؛ مذاهب تسنن، تصوف و تشیع را از مذاهب مؤثر بر تحولات آینده آسیای مرکزی دانسته و در میان آن‌ها بیشترین نقش و اهمیت را برای مذهب تسنن قائل شده‌اند. از سوی دیگر؛ سایر مذاهب (مسیحیت، یهودیت و...) را فاقد نقش آفرینی چندانی در تحولات موصوف اعلام نموده‌اند. از نظر همسویی این مذاهب نیز همان‌گونه که انتظار می‌رود پیروان مذهب تشیع بیشترین و سایر مذاهب کمترین قرابت و بیشترین مواضع مخالف را با ج. آ. ایران داشته‌اند. سایر اطلاعات مربوط به مذاهب کشورهای منطقه و نوع رابطه آن‌ها با ج. آ. ایران در جدول مورد اشاره آمده است.

جدول ۴- جریان‌ها و جنبش‌های آسیای مرکزی به ترتیب اهمیت و نوع رابطه با ج. آ. ایران

رتبه	کشگران	پاسخ	درصد	ضرب اهمیت	نوع رابطه با ج. آ. ایران (به درصد)		
					همسو	متغیر	مخالف
۱	حزب التحریر (ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان)	مخالف	۶,۳	۰,۱۷۵۹	۶,۳	۱۲,۵	۵۹,۳۵
		موافق	۹۳,۷				
۲	جنبش اسلامی ازبکستان	مخالف	۶,۳	۰,۱۷۵۶	۳,۱	۱۲,۵	۶۸,۷۶
		موافق	۹۳,۷				
۳	حزب نهضت اسلامی تاجیکستان	مخالف	۹,۴	۰,۱۷۴۲	۸۱,۲	۱۵,۶۱	۰
		موافق	۹۰,۶				
۴	حزب دموکراتیک خلق تاجیکستان	مخالف	۲۱,۹	۰,۱۶۰۸	۳,۱	۲۱,۹	۴۳,۷۵
		موافق	۷۸,۱				
۵	جنبش اسلامی آسیای مرکزی	مخالف	۲۵	۰,۱۵۹۰	۳,۱	۲۱,۹	۴۳,۷۵
		موافق	۷۵				
۶	حزب النصرت آسیای مرکزی	مخالف	۳۱,۲	۰,۱۵۴۵	۰	۳,۱	۸۴,۳۸
		موافق	۶۸,۸				

همان‌گونه که در جدول (۴) آمده است، بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌گویان موافقت خود را با مؤثر بودن جریان‌ها و جنبش‌های معرفی شده در تحولات آینده آسیای مرکزی اعلام نموده‌اند. پاسخ‌گویان به ترتیب جنبش‌های التحریر، جنبش اسلامی ازبکستان، نهضت اسلامی تاجیکستان، جنبش اسلامی آسیای مرکزی، دموکراتیک خلق تاجیکستان و النصرت را از

جنبش‌های مؤثر دانسته‌اند. در این میان نهضت اسلامی تاجیکستان بیشترین و حزب النصرت کمترین همسویی و بیشترین مواضع مخالف را با ج. آ. ایران دارا بوده است.

جدول ۵- سایر کنشگران محلی منطقه آسیای مرکزی به ترتیب اهمیت و نوع رابطه با ج. آ. ایران

رتبه	کنشگران	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت	نوع رابطه با ج. آ. ایران (به درصد)			
					هم سو	متغیر	مخالفا	رقیب
۱	داعش	مخالف	۹,۴	۰,۲۶۱ ۸	۰	۳,۱	۹۳,۸	۳,۱
		موافق	۹۰,۶					
۲	طالبان و القاعده	مخالف	۱۸,۸	۰,۲۵۰ ۲	۰	۱۸,۸	۶۸,۷	۱۲,۵
		موافق	۸۱,۲					
۳	جریان فتح‌الله گولن	مخالف	۲۱,۹	۰,۲۴۷ ۷	۰	۳,۱	۳۴,۴	۶۲,۵
		موافق	۷۸,۱					
۴	روسی‌تباران آسیای مرکزی	مخالف	۳۴,۴	۰,۲۴۰ ۳	۰	۴۶,۸	۱۲,۵	۴۰,۶ ۲
		موافق	۶۵,۶					

همان‌گونه که در جدول (۵) آمده است، بیش از ۶۵ درصد از پاسخ‌گویان سایر بازیگران محلی معرفی شده را در تحولات منطقه مؤثر دانسته‌اند. پاسخ‌گویان به ترتیب: داعش، طالبان و القاعده، جریان فتح‌الله گولن و روس‌تباران منطقه را به‌عنوان سایر بازیگران محلی مؤثر برشمرده‌اند. همان‌گونه که قابل پیش‌بینی بود، هیچ‌کدام از این کنشگران همسویی با ج. آ. ایران نداشته و جریان داعش با حضور و نفوذ ج. آ. ایران در منطقه بیشترین مخالفت را داشته و در میان آن‌ها جریان فتح‌الله گولن بیشترین رقابت را با ج. آ. ایران دارد.

جدول ۶- کنشگران منطقه‌ای آسیای مرکزی به ترتیب اهمیت و نوع رابطه با ج. آ. ایران

رتبه	کنشگران	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت	نوع رابطه با ج. آ. ایران (به درصد)			
					همسو	متغیر	مخالف	رقیب
۱	ج. آ. ایران	موافق	۱۰۰	۰,۲۰۵۵	-	-	-	-
۲	جمهوری ترکیه	مخالف	۳,۱	۰,۲۰۵۴	۰	۳,۱	۲۵	۷۱,۹
		موافق	۹۶,۹					
۳	عربستان سعودی	مخالف	۹,۴	۰,۲۰۰۲	۰	۰	۹۳,۷	۶,۳
		موافق	۹۰,۶					
۴	رژیم اشغالگر قدس	مخالف	۱۲,۵	۰,۱۹۵۲	۰	۰	۹۶,۹	۳,۱
		موافق	۸۷,۵					
۵	هندوستان و پاکستان	مخالف	۱۲,۵	۰,۱۹۳۸	۰	۲۱,۹	۳,۱	۷۵
		موافق	۸۷,۵					

همان‌گونه که در جدول (۶) آمده است، بیش از ۸۰ درصد از پاسخ‌گویان موافقت خود را با تاثیرگذاری کنشگران منطقه‌ای معرفی شده در تحولات آینده آسیای مرکزی اعلام نموده‌اند. پاسخ‌گویان به ترتیب؛ ج. آ. ایران، جمهوری ترکیه، عربستان سعودی، رژیم اشغالگر قدس، هندوستان و پاکستان را از بازیگران مؤثر در منطقه دانسته‌اند. هیچ‌کدام از کنشگران مورد اشاره با ج. آ. ایران همسو نبوده و همان‌گونه که انتظار می‌رود، عربستان سعودی و رژیم اشغالگر قدس بیشترین مخالفت را با ج. آ. ایران داشته‌اند. از سوی دیگر؛ جمهوری ترکیه مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ج. آ. ایران در این منطقه محسوب می‌گردد.

جدول ۷- کنشگران بین‌المللی منطقه آسیای مرکزی به ترتیب اهمیت و نوع رابطه با ج. آ. ایران

رتبه	کنشگران	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت	نوع رابطه با ج. آ. ایران (به درصد)		
					همسو	متغیر	مخالف
۱	جمهوری فدرال روسیه	مخالف	۳,۱	۰,۲۰۶۷	۶,۳	۲۱,۹	۰
		موافق	۹۶,۹				
۲	جمهوری خلق چین	مخالف	۰	۰,۲۰۶۴	۶,۳	۲۸,۱	۳,۱
		موافق	۱۰۰				
۳	ایالات متحده آمریکا	مخالف	۶,۲	۰,۲۰۳۷	۰	۰	۱۰۰
		موافق	۹۳,۸				
۴	اتحادیه اروپا	مخالف	۱۲,۵	۰,۱۹۵۷	۰	۲۵	۵۳,۱۲
		موافق	۸۷,۵				
۵	ناتو	مخالف	۲۱,۸۸	۰,۱۸۷۵	۰	۰	۱۰۰
		موافق	۷۸,۱۲				

۲۳۷



همان‌گونه که در جدول (۷) آمده است، بیش از ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان موافقت خود را با تأثیرگذاری کنشگران بین‌المللی معرفی شده در تحولات آینده آسیای مرکزی اعلام نموده‌اند. پاسخ‌گویان به ترتیب؛ روسیه، چین، آمریکا، اروپا و ناتو را از بازیگران بین‌المللی مؤثر در منطقه دانسته‌اند. روسیه و چین دارای یک همسویی بسیار شکننده و ضعیف با ج. آ. ایران بوده و در عین حال رقبای اصلی ج. آ. ایران نیز محسوب می‌گردند. آمریکا و ناتو نیز از مخالفان اصلی نقش‌آفرینی ج. آ. ایران در منطقه می‌باشند.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این پرسش اصلی بود که کنشگران مؤثر بر تحولات آینده منطقه آسیای مرکزی کدامند و نوع رابطه آنان با ج. آ. ایران چگونه است. به همین منظور؛ کلیه کنشگران تأثیرگذار این منطقه در سه گروه؛ کنشگران محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با لحاظ ضریب اهمیت هر یک از بازیگران در تحولات آینده منطقه و همچنین نوع رابطه هر کدام از بازیگران با ج. آ. ایران شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج کلی آن به‌طور مختصر در جدول (۸) آمده است.

جدول ۸- کنشگران مؤثر در تحولات آینده منطقه آسیای مرکزی

کنشگران	اهمیت	نوع رابطه با ج. آ. ایران		
		همسو	متغیر	مخالف
اقوام منطقه	۱. قوم تاجیک	۱,۲۰۲۸*		
	۲. قوم قزاق	۱,۲۰۱۵*		
	۳. قوم ازبک	۱,۲۰۰۳*		
	۴. قوم ترکمن	۱,۱۹۸۱*		
	۵. قوم قره‌زیز	۱,۱۹۷۳*		
مذاهب	۱. اهل سنت	۱,۲۹۱۵*		
	۲. اهل تصوف	۱,۲۵۰۵*		
	۳. شیعیان	۱,۲۴۵۵*		
	۴. سایر مذاهب	۱,۲۱۲۵*		
جریان‌ها و جنبش‌ها	۱. حزب التحریر	۱,۱۷۵۹*		
	۲. جنبش اسلامی ازبکستان	۱,۱۷۵۶*		
	۳. نهضت اسلامی تاجیکستان	۱,۱۷۴۲*		
	۴. حزب دموکراتیک تاجیکستان	۱,۱۶۰۸*		
	۵. جنبش اسلامی آسیای مرکزی	۱,۱۵۹۰*		
	۶. حزب التصرت	۱,۱۵۴۵*		
سایر کنشگران	۱. داعش	۱,۲۶۱۸*		
	۲. طالبان و القاعده	۱,۲۵۰۲*		
	۳. جریان فتح‌الله گولن	۱,۲۴۷۷*		
	۴. روس تباران منطقه	۱,۲۴۰۳*		
کنشگران منطقه‌ای	۱. ج. آ. ایران	۱,۲۰۵۵*		
	۲. ترکیه	۱,۲۰۵۴*		
	۳. عربستان سعودی	۱,۲۰۰۲*		
	۴. رژیم اشغال‌گر قدس	۱,۱۹۵۲*		
	۵. هندوستان و پاکستان	۱,۱۹۳۸*		
کنشگران بین‌المللی	۱. جمهوری فدرال روسیه	۱,۲۰۶۷*		
	۲. جمهوری خلق چین	۱,۲۰۶۴*		
	۳. ایالات متحده آمریکا	۱,۲۰۳۷*		
	۴. اتحادیه اروپا	۱,۱۹۵۷*		
	۵. ناتو	۱,۱۸۷۵*		

۴

در پایان؛ راهکارهای پیشنهادی زیر به منظور گسترش نقش آفرینی ج. آ. ایران در منطقه جهت بهره‌برداری ذینفعان ارائه می‌گردد:

▪ درک صحیح واقعیت‌های موجود در منطقه و متعاقباً تدوین یک استراتژی کلان‌گام به گام با هم‌فکری و تعامل تمام دستگاه‌های سیاسی، فرهنگی و اجرایی ذینفع و با محوریت دستگاه دیپلماسی ج. آ. ایران به‌منظور دستیابی به مطلوب ممکن، جهت حضور هوشمندانه و هدفمند در منطقه با تکیه بر اشتراکات دینی، تاریخی، زبانی، فرهنگی و تمدنی؛

▪ تشکیل کارگروه آسیب‌شناسی فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تبلیغی ج. آ. ایران در منطقه آسیای مرکزی با محوریت وزارت امور خارجه و با حضور کارشناسان شورای عالی امنیت ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزارت صنعت، معدن و تجارت، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، وزارت راه و شهرسازی، سپاه قدس، وزارت اطلاعات، رایزنان فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مجمع جهانی بیداری اسلامی، معاونت بین‌الملل حوزه‌های علمیه؛

▪ برگزاری نشست‌های مشترک بین نهادها، دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی فعال در منطقه به منظور ایجاد هماهنگی و همدلی بر پایه وفاق ملی و عزم عمومی جهت گسترش نفوذ ج. آ. ایران در منطقه؛

▪ تشکیل سامانه دیدبانی منطقه آسیای مرکزی به‌منظور رصد سیر تحولات منطقه از طریق شناخت دقیق و کامل بازیگران و صحنه‌گردانان اصلی و فعال در منطقه؛

▪ درک درست از تنوع قومی و نژادی منطقه و برقراری ارتباط مؤثر با اقوام مختلف کشورهای منطقه (به ویژه قوم تاجیک) با تکیه بر مشترکات مذهبی، فرهنگی، زبانی و تمدنی؛

▪ راه‌اندازی خبرگزاری‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی توسط ج. آ. ایران متناسب با ویژگی‌های اقوام مهم منطقه (تاجیک، قزاق، ازبک، ترکمن و قرقیز) به‌منظور شناساندن چهره واقعی ج. آ. ایران و کاهش تفکرات ایران‌هراسانه تصویرپردازی شده توسط رسانه‌های غربی و معاند؛

- اعزام سفرا، وابستگان نظامی، نمایندگان و رایزنان فرهنگی که شناخت دقیق و درستی از منطقه داشته باشند؛
- برقراری روابط حسنه بین عالمان دینی ج. آ. ایران مستقر در منطقه با بزرگان و عالمان اهل سنت، تصوف، تشیع منطقه و سایر مذاهب از طریق برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی و نشست‌های تقریب مذاهب با تکیه بر مشترکات دینی و مذهبی؛
- برگزاری مراسم‌های بزرگداشت مشاهیر و مفاخر مشترک به منظور ایجاد تعامل بیشتر بین دو ملت از طریق پاسداشت اشتراکات دینی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی ج. آ. ایران و کشورهای منطقه؛
- برقراری ارتباط بین دانشگاه‌های منطقه با دانشگاه‌های ج. آ. ایران از طریق مبادله استاد و دانشجو، اعطای بورس تحصیلی، راه‌اندازی کرسی‌های زبان فارسی، برگزاری کنگره‌ها و کنفرانس‌های علمی؛
- همکاری ج. آ. ایران با دولت‌های منطقه در خصوص حل و فصل دغدغه‌های مشترک همانند: مقابله با افراط‌گرایی دینی، تروریسم، قاچاق انسان و مواد مخدر؛
- معرفی شایسته ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران به مقامات تاثیرگذار منطقه، جلب توجه و متقاعدسازی افکار عمومی منطقه به مزیت‌های رقابتی ایران، به‌عنوان کوتاه‌ترین، امن‌ترین و با صرفه‌ترین کانال ارتباطی با آب‌های آزاد و نیز کشورهای خاورمیانه و اروپایی جهت ترانزیت کالا و انرژی از منطقه؛
- مشارکت گسترده و فعال ایران در پروژه‌های کشف، استحصال، استخراج و ترانزیت میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی جمهوری‌های منطقه به ویژه جمهوری‌های ترکمنستان و قزاقستان؛
- مشارکت در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی منطقه با بهره‌گیری از توانایی و ظرفیت‌های ج. آ. ایران جهت تمرکز بر اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه‌هایی مانند سدسازی، ساخت نیروگاه‌ها و جاده‌سازی در منطقه؛
- استفاده حداکثری ج. آ. ایران از سازمان همکاری اکو، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی به منظور گسترش حضور و نفوذ در منطقه؛

- تلاش در جهت عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای به منظور گسترش نفوذ و تاثیرگذاری در منطقه آسیای مرکزی.

منابع

- آقایی فیروزآبادی، سیدحسن (۱۳۹۵)، **تکفیری‌های داعش را بهتر بشناسیم**، انتشارات: دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول.
- اعظمی، هادی؛ دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی»، **فصلنامه فضای جغرافیایی**، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۴۷-۲۵.
- اعظمی، هادی؛ زرقانی، سیدهادی؛ دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک در شکل‌دهی به سازمان‌های منطقه‌ای»، **دو فصلنامه پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، دوره اول، شماره ۱، صص ۲۵-۲.
- اسلامی مقدم، علی (۱۳۸۸)، «جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.
- احمدی لفقوریکی، بهزاد؛ میررضوی، فیروزه (۱۳۸۳)، **راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاص تهران، چاپ اول.
- امیری، مهدی (۱۳۸۲)، **ارزیابی نقش و جایگاه ایران در آسیای مرکزی با تأکید بر تحولات پس از ۱۱ سپتامبر**، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- امیراحمدیان، بهرام؛ صالحی دولت‌آباد، روح‌اله (۱۳۹۲)، «اهداف و راهبردهای سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۱۹، شماره ۸۴، صص ۲۹-۱.
- اینالو، اطهر (۸ مهرماه ۱۳۹۸)، «پیوستن به اتحادیه اورآسیا؛ دروازه جدیدی برای اقتصاد ایران»، تاریخ استخراج: ۱۳ مهرماه ۱۳۹۸، <https://irna.ir/news/83495929>
- بهمن، شعیب (۱۳۹۳)، **ژئوپلیتیک تشیع در آسیای مرکزی**، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

- بهمن، شعیب (۱۳۸۹)، «بررسی چالش‌ها و موانع منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۶، شماره ۶۹، صص ۸۹-۱۱۰.
- پاک‌آئین، محسن (۲۵ آبان ۱۳۹۶)، «اهداف رژیم اسرائیل در آسیای مرکزی و قفقاز»، تاریخ استخراج: ۲۰ خردادماه ۱۳۹۸، [http:// iras.ir/fa/doc/note/3419](http://iras.ir/fa/doc/note/3419)
- پایگاه داده جمعیت جهان و کشورها، تاریخ استخراج: ۱۰ مرداد ۱۳۹۸، <http://worldometers.info>
- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ جنیدی، رضا (۱۳۸۹)، «ماهیت رفتار سیاسی روسیه در منطقه آسیای مرکزی و چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۲، صص ۸۲-۶۳.
- پایگاه رواق الحجاج (۱۰ مهر ۱۳۹۰)، «آشنایی با کشور تاجیکستان»، تاریخ استخراج: ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۹۷، [http:// hajiz.com/fa/islamic-countries](http://hajiz.com/fa/islamic-countries).
- حجازی، سیدشهاب‌الدین (۱۳۹۷)، «آینده پژوهی بیداری اسلامی در آسیای مرکزی»، رساله دکتری آینده‌پژوهی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کولایی، الهه؛ کریمی، مهدی (۱۳۹۱)، «نقش فضای جغرافیایی در رقابت قدرت‌ها پس از جنگ سرد (مطالعه موردی: آسیای مرکزی)»، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۳۹، صص ۹۵-۱۲۰.
- حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۴)، «نقش سازمان امنیت و همکاری اروپا در کشورهای منطقه اوراسیا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۹، صص ۱۳۶-۱۲۳.
- جوادی‌ارجمند، محمدجعفر؛ سلاورزی‌زاده، صالح (۱۳۹۶)، «راهبرد سیاسی- نظامی ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر؛ هدف‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۲۸۸-۲۷۱.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۵)، «گفتمان‌های سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، دو فصلنامه ایراس، سال اول، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۱۴.
- دیوسالار، مجید (آذرماه ۱۳۸۵)، «آسیای مرکزی؛ منطقه‌ای با ژئوپلیتیک به هم پیوسته»، پگاه حوزه، شماره ۱۹۶.



زرگر، افشین؛ صیاد، سینا (۱۳۹۵)، «اهمیت اوراسیای مرکزی در رقابت‌های ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های بزرگ»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۳۶، صص ۱۹۶-۱۶۹.
زمانی محجوب، حبیب (۱۳۹۴)، اسلام در آسیای مرکزی. تهران: انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول.

زیباکلام، صادق؛ گودرزی، مهناز (بهار ۱۳۹۲)، «سیاست خارجی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی (امکان سنجی روابط راهبردی دو کشور بر مبنای مدلی تطبیقی)»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۲۰۵-۱۶۵.

سیمبر، رضا (۱۳۸۵)، «جایگاه ایران در تحولات ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۳، شماره ۶، صص ۸۹-۷۱.

سنایی، مهدی (اردیبهشت ۱۳۸۵)، «گرایش‌های اسلامی آسیای مرکزی»، ماهنامه ایراس، شماره ۱۰، صص ۱۲-۸.

سنجری پور، داود (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی از دیدگاه منافع ملی»، رساله دکتری امنیت ملی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

شاه‌منصوری، تاج‌محمد؛ شامیری، افشین (۱۳۸۹)، «اهداف و منافع چین در آسیای مرکزی پس از یازده سپتامبر؛ از همکاری و همجواری تا دیپلماسی اقتصادی بین‌المللی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹، صص ۸۸-۷۵.

شمسا، برات (۱۳۸۹)، درآمدی بر جنبش‌های اسلامی در آسیای مرکزی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

شکاری، عبدالقیوم (اسفندماه ۱۳۸۵)، «مبارزه با تروریسم در آسیای مرکزی»، دو ماهنامه ایراس، شماره ۱۷.

طاهری، ابراهیم (۱۳۹۴)، «نقش و جایگاه ژئوآکونومیک ایران و ترکیه در نظم پیوندی خاورمیانه و آسیای مرکزی»، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۱)، ترکمنستان و روسیه در «بازی بزرگ» انرژی آسیای مرکزی، تهران: ایده سبز.

علویان، مرتضی؛ کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۲۶، صص ۹۲-۶۳.

عطایی، فرهاد؛ شیبانی، اعظم (۱۳۹۰)، «زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک»، دو فصلنامه اوراسیای مرکزی، دوره چهارم، شماره ۸، صص ۱۵۱-۱۳۱.

عطایی، فرهاد؛ شکاری، حسن؛ عزیزی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۳، صص ۶۶-۳۷.

فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۰)، جریان‌های اسلامی در آسیای مرکزی؛ تحولات و چشم‌اندازها، انتشارات: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.

فوزی، یحیی؛ پایاب، بهروز (۱۳۹۱)، «جریان‌ات اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره اول، شماره ۴، صص ۵۹-۳۳.

قادری‌حاجت، مصطفی؛ نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۱)، «اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره هشتم، شماره ۲۶، صص ۹۵-۶۳.

کرمی، جهانگیر (۱۳۸۲)، «هویت ملی و سیاست روسیه در خارج نزدیک»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۴، صص ۶۲-۳۵.

کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۴)، سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی: روندها و چشم‌اندازها. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول.

کوزه‌گر کالجی، ولی (پاییز ۱۳۹۰)، «تاملی نظری بر پیش‌میلی‌گرایی قومی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۷، شماره ۷۵، صص ۹۱-۶۹.

مانستر، آنا؛ باسچ، رابرت (۱۳۹۴)، رشد افراط‌گرایی اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز. تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی.

مهری‌پرگو، وجیهه (۱۳۸۹)، استراتژی همگرایی با همسایگان در بخش آسیای مرکزی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

پوراحمدی‌میبدی، حسین؛ قوام، عبدالعلی؛ خانی‌جوی‌آباد، محمود (۱۳۹۶)، «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی هند و راهبردهای پیوند و ارتباط آن با آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۲۳، شماره ۹۸، صص ۳۲-۱.

میرمحمدی، سیدرضا (۷ بهمن‌ماه ۱۳۹۳)، «پیشینه، ابعاد و پیامدهای حضور عربستان سعودی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *موسسه مطالعات ایران و اوراسیا*، تاریخ استخراج: ۲۰ بهمن ۱۳۹۷، <http://iras.ir/fa/doc/note/597>

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (۲۱ آذرماه ۱۳۹۵)، «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه (۲۰۱۶)»، تاریخ استخراج: ۱۱ مهرماه ۱۳۹۸، [http:// iras.ir/fa/doc/report/2479](http://iras.ir/fa/doc/report/2479)،
نصری‌مشکینی، قدیر (۱۳۷۹)، «چالش‌ها و بایسته‌های تحرک جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال نهم، شماره ۲۹، صص ۱۱۲-۸۵

نظری، علی‌اشرف؛ سلیمی، برهان (بهار ۱۳۹۶)، «دولت ترکیه و چالش گولنیسم: ابعاد سیاسی و غیردموکراتیک جنبش گولن»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۹۳-۱۵۷.

واعظی، محمود (۱۳۸۸)، «منافع روسیه و غرب در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش تشکل‌های چندجانبه»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۶، صص ۱۴۰-۱۰۳.
واعظی، محمود (۱۳۸۶)، *ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

واعظی، محمود (۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۲)، «راهبردهای نوین رقابتی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *پژوهشکده تحقیقات راهبردی*، تاریخ استخراج: ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۷، <http://csr.ir>،
وصالی‌مزین، یوسف (۱۳۸۵)، *حزب التحریر ازبکستان*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

یزدانی، عنایت‌الله؛ مسعودی، نجمه؛ دالوند، حسین (۱۳۹۱)، «بررسی رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران به آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۱۸، شماره ۷۹، صص ۱۶۶-۱۳۹.

Basiri, Mohammadali and Izady Zmanabady, Mozghan (2004), **United States foreign policy goals in Central Asia**, *Central Asia and Caucasus studies Quarterly*, No. 48, Tehran.

- Bolonina, Aleksanra (2019), **Security Dimension of China's Presence in Central Asia**, IRIS, Asia Focus#108 – Asia Programme.
- Rumer, Eugene. Sokolsky, Richard. Stronski, Paul (2016), **U.S. Policy toward Central Asia**, Carnegie Endowment for International Peace.
- Russell, Martin (2019), **The EU's new Central Asia strategy**, European Parliamentary Research Service, PE 633.162.
- Smith, Charlie (08 July 2015), **Islamic State in Central Asia: Threat or opportunity**, Central Asia- Caucasus Analyst, BI- Weekly Briefing, VOL. 17, No. 13.
- Seifert, Arne C (July 2016), **Preventing the “Islamic State” in Central Asia Conditions**, risks and peace policy requirements, Security Policy Working Paper, No. 7.
- Sahai, Dhananjay (2019), **Russian Far East and Central Asia: Impediments to Sino-Russian Partnership**, ORF Issue Brief No. 280, Observer Research Foundation.
- Tiliouine, Habib, Estes, Richard J. (April 2016), **Central The State of Social Progress of Islamic Societies**, Springer International Publishing AG, Part of Springer Science.
- Muni, S. D. Chadha, Vivek (2016), **Asian Strategic Review 2016**, Institute for Defence Studies and Analyses, New Delhi, Pentagon Press, First Published.
- Mariani, Bernardo (2013), **China's role and interests in Central Asia**, Saferworld the Grayston Centre, London N1 6HT, UK.
- Peyrouse, Sebastien. Boonstra, Jos. Laruelle, Marlène (2012), **Security and development approaches to Central Asia the EU compared to China and Russia**, EUCAM Working Paper No. 11, Finnish Ministry of Foreign Affairs.
- P. Kilybayeva, A. Ibrayeva, M. Mametay (2018), **the EU Strategy for Central Asia– 2019: Goals, Challenges and Prospects**, Concorde, N 5.
- Iazmuradov, Atajan (2006), **Greater South Asia– Americas new regional Approach to Central and South Asia: How it is developing and what prompted it**, Central Asia and the Caucasus, Vol. 40, No. 4.
- Kothari, Raj Kumar (2018), **India's Strategic Interests in Central Asia in the Post-Soviet Years: Expanding Vistas of Partnership**, Asian Journal of Political Science 4 (No. 1).
- Javaid, Faisal; Dashti, Asghar Ali (2016), **Relations between Pakistan and Central Asian Republics: An analysis**, Ma'arif Research Journal.
- Ullah Khan, Hashmat & Elahi, Muhammad Manzoor (2016), **Pakistan's Economic Interests in Central Asia: Prospects and Challenges in Regional Perspective**, Central Asia Journal No. 79.